

صفات اخلاقی مدیران از دیدگاه حضرت علی (ع)

نویسنده: نازی نجات^۱

خلاصه:

در دین مبین اسلام به مدیریت اهمیت خاصی داده شده است و مدیریت اسلامی مدیریتی است که زمینه رشد انسان به سوی الله (الی الله المصیر) را فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر (ص) و امامان معصوم و علوم و فنون و تجارب بشری جهت رسیدن به هدفهای یک نظام در ابعاد مختلف، همانند یک محور و مدار و قطب عمل کند و مدیران اسلامی خدمتگزاران مردم هستند و باید با تیغ تیز مدیریت در جهت خدمتگزاری، اقامه حق و عدل و دفع باطل و ظلم تلاش نمایند، و این مهم با رعایت اخلاق اسلامی همانند مراعات حقوق و احکام اسلام میسر می باشد. امام علی (ع) در فرمایشات گهربارشان صفات اخلاقی پسندیده مدیران اسلامی را خدا محوری، تقوی گزایی، بصیرت، بینش سیاسی، رعایت عدل و انصاف و امانتداری، حسن خلق، رفق و مدارا، قاطعیت، انتقاد پذیری، تغافل، امیدواری، صبر و استقامت، مردم گرایی، تواضع و فروتنی، رعایت تساوی و عدالت رفتاری، بی توجهی به لذایذ دنیوی، عقل، نظم، رسیدگی به حال محرومان مطرح نموده اند و همواره عمل به آنها را به مدیران و کارگزاران خود به صورت نامه و دستور العمل آموزش داده و گوشزد نموده اند.

کلید واژه: صفات اخلاقی، مدیر، حضرت علی (ع)

مقدمه:

امروزه دانش مدیریت و به خصوص بحث هدایت و رهبری، موضوعی است که همراه با زندگی اجتماعی انسان مطرح است و نقشی که رهبران و مدیران در تغییر و تحولات تاریخی، پیروزیها و شکست ها، هدایت ها و گمراهی ها، سازندگی ها و ویرانگری ها و بالاخره رشد و تکامل جامعه انسانی داشته اند، همواره بسیار مهم و اساسی بوده به طوری که برخی دیگر آن را کلید پیشرفت جوامع و سازمانها معرفی می نمایند.

تلاش دانشمندان رشته مدیریت آن است که شیوه ها و روشهای صحیح مدیریت جامعه را در هر عصر و زمانی متناسب با همان جامعه کشف و شناسایی نمایند و دیدگاههای نوین و صحیحی ارائه کنند، و هر روز که جامعه انسانها رو به کمال و تکامل می رود، دانش افراد فزونی می یابد و تجربیات گوناگونی بدست می آورد اختراعات و

«امرہ بتقوی الله ، و ایثار طاعته و ابتاع ما امر به فی کتابه : من فرائضه و سننه ، التي لا یسعدا حدا لا بتابعها ، ولا یشقی الا مع جمودها و اضعافها و ان ینصر الله سبحانه بقبله و یدہ و لسانه ، فانه حل اسمه ، قد تکفل ینصر من نصره ، و اعزاز من اعزه عند الجمحات فان النفس اماره بالسوء ، الا مارحم الله .»

او را به ترس از خدا فرمان می دهد و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد و آنچه در کتاب خدا آمده، از واجبات و سنتها را پیروی کند، دستوراتی که جز با پیروی آن رستگار نخواهد گردید. به او فرمان می دهد که خدا را با دل و دست و زبان یاری کند، زیرا خداوند پیروزی کسی را یاری دهد و بزرگ دارد و آن کس را که او بزرگ شمارد. و به او فرمان می دهد تا نفس خود را از پیروی آرزوها باز دارد و به هنگام سرکشی رامش نماید، که :

«همانا نفس همواره به بدی و امیدارد جز آنکه خدا رحمت آورد.» (یوسف ۵۳)

در این دیدگاه امام علی (ع) به بزرگترین و لایق ترین مدیر کشور اسلامی سفارش می کند که اداره صحیح جامعه اسلامی را با تقوا گرایی، عبادت، بندگی، خودسازی و توجه به امداد های غیبی خداوند سازمان دهد و باور داشته باشد که در اداره جامعه و برخورد با مشکلات تنها نیست و انواع هدایت های الهی او را یاری خواهند داد.

مدیریت صحیح کارگزاران امام علی (ع) الگوی زنده و سمبلی جاودانه برای مدیران جوامع اسلامی است که ارزشهای والای مدیریت اسلامی را تحقق بخشند و در مرز ماده و مادیات درجا نزنند. اگر یک مدیر آگاه همه عالم را محضر حق بداند و خدا را در راس همه مدیریتها ناظر بر کار مدیران بشناسد می تواند به خوبی بدرخشد و مدیریتها را هدف و در مدیران عشق و شور ایجاد کند.

حضرت علی (ع) فرموده اند: «عرفت الله سبحانه بفسخ العزائم و حل العقود و نقض الهمم»

اکتشافات شگفت آوری انسانها را به سوی افق های نو و روشنی سوق می دهد. مبحث مدیریت نیز در اشکال گوناگون ضرورت بیشتری پیدا می کند، و اخلاق مدیریت و صفات مدیران دقیق تر مورد ارزیابی قرار می گیرد.

طبیعی است که اداره جامعه، بدون مدیریت های صحیح و مترقی و متکامل ممکن نیست و مدیریت ها بودن مدیران لایق و کارآمد، توانمند و بالنده نخواهند شد. پس همانگونه که ضرورت مدیریت در جامعه بشری یک اصل غیر قابل انکار است، صفات والای مدیران و اخلاق صحیح مدیریت نیز یک ضرورت است. در دین مبین اسلام به مدیریت اهمیت خاصی داده شده است و مدیریت اسلامی مدیریتی است که زمینه رشد انسان به سوی الله (الی الله المصیر) را فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر (ص) و امامان معصوم و علوم و فنون و تجارب بشری جهت رسیدن به هدفهای یک نظام در ابعاد مختلف همانند، یک محور و مدار و قطب عمل کند بنابراین اساسی ترین اصلی که مدیریت اسلامی را از سایر مدیریت ها جدا می کند این است که در این شیوه از مدیریت، مینا حق است و حرکت به سوی حق و ارزشهای متعالی انسان. برای اینکه مدیر بر مبنای این شیوه از مدیریت حرکت کند و اهداف مدیریت را تامین سازد ویژگیهایی را باید دارا باشد که بتواند دانش مدیریت را به کار بندد و به هنر مدیریت اسلامی متصف گردد.

اخلاق پسندیده مدیران اسلامی

۱ - خدا محوری

۲ - تقوی گرایی

در مدیریت اسلامی خدا محوری و تقوی گرایی اساس کار و سازندگی است و همه چیز با معیار تقوا ارزیابی می گردد. امام علی (ع) در خطبه ۵۳ نهج البلاغه شیوه برخورد و اصول مدیریت را در نامه خود به مالک اشتر از تقوا و خدا گرایی آغاز می کند و می فرماید:

من برای یاری اسلام هنگامی قیام کردم که آنان سست شدند و خود را آشکار نمودم آنگاه که آنان سر در گریبان کردند و سخن گفتم وقتی که آنان جرأت حرف زدن نداشتند و با نور الهی حرکت کردم هنگامی که آنان توقف نمودند.

۴ - بینش سیاسی:

در یک تعریف جامع می توان سیاست را به روان شناسی فردی و اجتماعی تفسیر کرد، بدین ترتیب، سیاستمدار کسی است که باشناخت صحیحی که از افراد و جامعه دارد در هر موقعیت نقش مناسب را پیاده می کند. روایاتی که از امیر المؤمنین (ع) در تبیین رابطه سیاست و مدیریت جامعه آمده است عبارتند از:

«حسن السياسة قوام الرعية» سیاست نیکو موجب استواری جامعه است (میزان الحکمه ح، ۱۹۹۹).

«من حسنت سیاسته دامت ریاسته» کسی که بینش سیاسی خوبی داشته باشد ریاستش تداوم می یابد (میزان الحکمه ح، ۹۰۰۱).

«من قصر فی السياسة صغر فی الریاسة» کسی که بینش سیاسی او کوتاه باشد ریاستش کوچک است (میزان الحکمه ح، ۹۰۰۳).

«سوء التدبیر سبب التدبیر» تدبیر و سیاست بد موجب هلاکت و نابودی است (میزان الحکمه ح، ۹۰۰۷).

«أفة الزعماء ضعف السياسة» آفتی که زعما و متصدیان رهبری را تهدید میکند ضعف بینش سیاسی است (میزان الحکمه ح، ۸۹۹۲).

و قویترین تعبیر در تبیین رابطه سیاست و مدیریت و رهبری جامعه این جمله امیر المؤمنین (ع) است که: «الملك سياسة» حکومت عین سیاست است (میزان الحکمه، ۸۶۶۵).

۵ - رعایت عدل و انصاف و امانتداری:

و اگر قدرت خدا در حقیقت جان ما حضور دارد، چون قدرت خدا عین ذات خداست. خدا هم در حقیقت ذات ما و بر حقیقت ذات ما مطلع است و محیط است و اشراف دارد.

۳ - بصیرت:

در انواع مدیریت ها، به ویژه مدیریت جامعه، مدیر علاوه بر دانش مدیریت نیازمند به روشن بینی و بصیرت و بینشی است تا او را قادر سازد در هر موقعیت نقش مقتضی را ایفا نماید، ممکن است کسی دانش مدیریت را دارا باشد ولی بینش مدیریت نداشته باشد بتواند کتابی در زمینه مدیریت بنویسد و در دانشکده مدیریت تدریس کند ولی در مقام عمل، به دلیل فقدان بینش مدیریت، مدیر خوبی نباشد. بینش مدیریت احساس ویژه‌ای است که شکوفایی آن انسان را به انجام کار از طریق دیگران قادر می سازد و او را دارای هنر مدیریت می نماید. نور بصیرت و بینش علاوه بر اینکه در خودسازی نقش اساسی دارد، در تصحیح برخوردهای اجتماعی انسان نیز فوق العاده مؤثر است و لذا نقش تعیین کننده ای را می تواند در مدیریت جامعه ایفا کند. این نور همان است که در سخن امام علی (ع) در خطبه ۲۲۰ نهج البلاغه در ارتباط با ویژگیهای رهروان به سوی خدا و سالکان مطرح شده است: «قد احیا عقله و مات نفسه حتی دق جلیله و لطف غلیظه و برق له لا مع کثیر البرق، فابان له الطریق و سلک به السبیل...»

و عقل خویش را زنده کرده و نفس خود را می رانده است تا آنجا که ستبرهای بدنش تبدیل به نازکی و خشونت های روحش تبدیل به نرمی شده است و برق پر نوری بر قلب او جهیده و راه را بر او روشن کرده و او را به رهروی سوق داده است.

امام علی (ع) پس از واقعه نهروان، جنگی که در آن جمع کثیری از مقدسان بی بصیرت را از دم تیغ گذرانیده، درباره استضائه خود در موضع گیریهای سیاسی و برخوردها و مدیریت جامعه از نور بصیرت، در بخشی از سخنانش در خطبه ۳۷ نهج البلاغه چنین می فرماید:

«فقمتم بالامر حین فسلوا و تطلعت حین تعبعوا ونطقت حین تمنعوا و مضیت بنور الله حین وقفوا.»



نازی نجات

روشن است که سلامت دل در سایه احساس عدل و امانت حاصل می شود. و کارگزار اسلام باید بداند که بقای او در پرتو عدل و داد و امانتداری اوست.

۶ - حسن خلق:

حسن خلق یکی دیگر از ویژگیهایی است که برای مدیریت بسیار لازم و ضرورت است در بسیاری از روایات اسلامی حسن خلق به معنای زیبایی چهره باطن آمده است. روایاتی نقل شده از امام علی (ع) که می فرمایند: «لو کنا لانرجوا جنه و لا تخشی ناراً و لا ثواباً و لا عقاباً لکان یبغی لنا ان نطلب مکارم الاخلاق، فانها تدل علی سبیل النجاح» (میزان الحکمه ج ۳ ص ۱۴۶، ح ۵۰۴۴). فرضاً اگر نه امید بهشت داشتیم و نه ترس از دوزخ، نه ثوابی وجود داشت و نه عقابی هر آینه عقلاً شایسته بود برای ما که در طلب مکارم اخلاق و صفاتی باشیم که موجب کرامت و بزرگواری است، زیرا این صفات است که انسان را به راه کامیابی دلالت می کند.

مدیر برای اینکه دیگران را خوب به کار بگیرد باید برای افراد تحت مدیریت خود جاذبه داشته باشد و جاذبه داشتن فرع حسن خلق به معنای دوم یعنی خوش برخورد بودن است. کج خلقی جاذبه را از مدیر سلب می کند و او را در نظر افراد تحت مسئولیت خود فاقد ارزش و اعتبار می سازد و مدیریت تحمیلی طبیعی است که تداوم نداشته باشد. امام علی (ع) درباره زیانهای سوء خلق می فرماید: «سوء الخلق یوحش القریب و ینفر البعیر» (میزان الحکمه ج ۳، ح ۵۰۹۲). بد اخلاقی نزدیک را به وحشت می اندازد و برای دور نقرت آور است. همچنین به گفته امام (ع): «لا وحشاً او حش من سوء الخلق» هیچ وحشتی هراسناک تر از بد خلق نیست (میزان الحکمه ج ۳، ح ۵۰۹۸).

شخص بد اخلاق نه تنها نمی تواند مدیریت اجتماعی داشته باشد بلکه برای خانواده خود نیز مدیر خوبی نیست و به گفته امام (ع): «من ساء خلقه و مله أهله» کسی که اخلاقتش بد باشد برای خانواده اش ملالت آفرین و رنج آور است (میزان الحکمه ج ۳، ح ۵۱۰۳)

یکی از اصول مدیریت اسلامی رعایت عدالت اجتماعی است که یک مدیر اسلامی باید عدالت را در همه جا رعایت کند.

امام علی (ع) به مالک اشتر نوشت:

«انصف الله و انصف الناس من نفسك، و من خاصة اهلک و من لک فیه هوی من رعیتک فانک الا تفعل تظلم و من ظلم عبادالله کان الله خصمه دون عباده، و من خصمه الله ادحض حخته، و کان الله حرباً حتی تنزع اوتیوب، و لیس شیء ادعی الی تغییر نعمه الله و تعجیل نقمته من علی ظلم، فان الله سمیع دعوة المضطهدین، و هو للظالمین بالمرصاد» نهج البلاغه.

با خدا و با مردم و با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری انصاف را رعایت کن، که اگر چنین نکنی ستم روا داشتی و کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود، و آن را که خدا دشمن شود، دلیل او را نپذیرد، که با خدا سرچنگ دارد، تا آنگاه که باز گردد یا توبه کند، و چیزی چون ستمکاری نعمت خدا را دگرگون نمی کند و کیفر او را نزدیک نمی سازد که خدا دعای ستمدیدگان را می شنود و در کمین ستمکاران است.

همچنین در زمینه احساس عدالت و امانت زمامداران و مسئولین و مدیران، حضرت امیر المؤمنین (ع) در عهدنامه مالک اشتر چنین مرقوم می فرماید:

«ان افضل فرة عین الولاة استقامة العدل فی البلاد و ظهور مرده الرعیة و انه لاتظهر مودتهم الا بسلامه صدورهم و لاتصح تصیحتهم الا بحیبتهم علی ولاة امورهم و قلة استتقال دولهم و ترک استیطاء انقطاع مدتهم»

بهترین چیزی که مایه روشنی شمع زمامداران و مسئولین است، همانا گسترش عدل و داد در بلاد و شهرها و همچنین دوستی رعیت و مردمی است که زمامداران مسئول رعایت و خدمتگزاری آنان می باشند و دوستی آنان در پرتو سلامت دلهای آنهاست.

۷ - رفق و مدارا:

یکی از خصوصیات اخلاقی ضروری و اجتناب ناپذیر برای مدیریت، ویژگی رفق و مدارا است این خصوصیت مدیر را قادر می‌سازد که، در شرایط مختلف، انعطاف پذیری لازم را داشته باشد و افرادی را که سلیقه‌های گوناگون و افکار و احساسات متضاد دارند در جهتی که خود می‌خواهد هدایت کند و بکار گیرد. حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده اند:

«رأس السياسة استعمال الرفق» سر سیاست به کار گرفتن رفق است (میزان الحکمه ح ۹۰۱۹).

«نعم السياسة الرفق» سیاست مبتنی بر رفق خوب سیاستی است (میزان الحکمه ح ۹۰۲۰).

«الرفق يفل حد المخالفة» سیاست مبتنی بر رفق تیزی شمشیر مخالفت مخالفان را کند می‌کند (میزان الحکمه ح ۹۰۲۲).

«الرفق يبسر الصعاب و يسهل شديد السباب» رفق دشواریها را آسان و سبب‌های سخت را سهل می‌کند (میزان الحکمه ح ۷۳۹۴).

«من كان رفيقا من امره نال ما يريد من الناس» کسی که سیاست رفق را در امور به کار گیرد هر چه از مردم بخواهد به آن نایل می‌آید (میزان الحکمه ح ۷۳۹۰).

نکته قابل توجه و مهم این است که سیاست رفق و مدارا در صورتی به عنوان یک اصل کلی مورد تأیید اسلام است که مورد سوء استفاده قرار نگیرد و در صورتی که رفق مورد سوء استفاده باشد روایات اسلامی بکارگیری سیاست ضد رفق را توصیه می‌کنند. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در این خصوص فرموده اند:

«ذكان الرفق خرفاً، كان الخرق رفقاً.» در صورتی که نرمش حماقت باشد تندوی خاصیت نرمش را دارد (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۵۱).

«من لم يصلحه حسن المداراة اصلحة سوء المكافاة» کسی که مدارات نیکو او را اصلاح نکند مکافات بد او را اصلاح نماید (میزان الحکمه ح ۵۵۱۲).

۸ - قاطعیت:

قاطعیت یکی از لوازم اجتناب ناپذیر و قطعی مدیریت است. قاطعیت از ریشه قطع به معنای برش داشتن است. مدیر شایسته کسی است در اداره سازمان و افراد تحت مدیریت خود کمتر دچار حیرت و تردید و ضعف در تصمیم‌گیری می‌شود بلکه، با قاطعیت تمام موانع پیشرفت کار را از سر راه بر می‌دارد و گره‌های کور را می‌گشاید. زیان عدم قاطعیت و ضعف در تصمیم‌گیری برای مدیریت و پیشرفت کارها به مراتب بیشتر از چند اشتباه است. البته بدیهی است که هر چه مدیر قوی‌تر باشد کمتر اشتباه می‌کند امامدیری را نمی‌توان یافت که اشتباه نکند.

عدم قاطعیت آفت مدیریت و قضاوت است. افرادی که در تصمیم‌گیری برش ندارند نمی‌توانند قاضی باشند و نه مدیر.

امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر هنگامی که او را به حکومت مصر منصوب کرد، توصیه می‌کند که برای قضاوت افرادی را بگزیند که ویژگی‌هایی لازم را دارا باشند. یکی از آن ویژگیها قاطعیت است. متن کلام امام (ع) این است.

«واصرمهم عند اتضاح الحكم...» و قاطع‌ترین آنها هنگامی که حکم معلوم شد. (نهج البلاغه). یعنی کسی باید در حکومت اسلامی به عنوان قاضی انتخاب شود که وقتی برای او معلوم شد چگونه باید حکم کند، جو سازیه‌ها او را دچار وسوسه و ضعف در تصمیم‌گیری نکند بلکه بدون هیچ ملاحظه‌ای و با قاطعیت رأی خود را صادر نماید.

نکته قابل توجه این است که قاطعیت و تیزی مدیر منافاتی با رفق و مدارای او ندارد و لذا از نظر روایات اسلامی، هم قاطعیت شرط مدیریت است و هم رفق، و مدیر شایسته



۱۰ - تغافل :

از نظر امام علی (ع) غفلت و ناآگاهی زیانبارترین دشمن انسان است. هیچ دشمنی به انسان به اندازه غفلت صدمه نمی زند و نشانه خوشبختی و سعادت و دولت، کم شدن غفلت و فزونی یافتن هشیاری است، و نیز بیداری دولت مردان برای حراست و پاسداری کارها علامت تداوم و بقای دولت آنها است. متن کلام امام این است: «الغفلة أضر الاعداء» غفلت زیانبارترین دشمنان است (میزان الحکمه ح ۱۴۳۵).

«من دلائل الدولة قلة الغفلة» از نشانه های دولت کمی غفلت است (میزان الحکمه ۱۴۸۴۴).

«من امارات الدولة اليقظة لحراسة الأمور» از نشانه های تداوم دولت بیداری برای حراست از کارها است (میزان الحکمه ح ۶۱۴۴).

۱۱ - امیدواری :

یکی دیگر از خصلت هایی که مدیر را در مدیریت توانمند می کند امید است. امیدوار بودن خود و امیدوار ساختن دیگران به تحقق هدف. مسأله امید در ابعاد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و در قلمرو مدیریت فوق العاده مورد توجه اسلام است.

از نظر رهبران الهی، انسان برای تحقق خواسته های خود به منبعی از نیرو اتصال دارد که توانایی آن بی نهایت است و رمز موفقیت او بکارگیری همه توان در استفاده از این سرچشمه عظیم نیرو است. امام علی (ع) در این خصوص می فرماید:

«من بلغ جهد طاقته بلغ كنه أراضه» (میزان الحکمه ح ۲۷۸۷) کسی که همه توانش را بکار گیرد به حقیقت خواسته اش قطعاً خواهد رسید. «من اسدام قرع الباب ولج، ولج» کسی که پیوسته دری را بکوبد و برای تحقق خواسته خود اصرار ورزد سرانجام آن در بر او گشوده می شود و شاهد مقصود را در آغوش می کشد (میزان الحکمه ج ۲، ح ۲۷۸۸).

کسی است که هم نرمش داشته باشد و هم برش : در برخورد، نرم و ملایم و پر حوصله و در تصمیم گیری، قاطع و برا.

۹ - انتقاد پذیری :

پیدا نمی شود کسی از امام علی (ع) در مدیریت قوی تر باشد. به اعتقاد ما او معصوم است وصحت اقدامات و تصمیمات او را خداوند تضمین نموده است. ولی در عین حال، به افراد تحت مسئولیت و مدیریت خود توصیه می کند که :

«لا تكلحوني بما تكلم به الجبارة ولا تحفظوا امنى بما يتحفظ به عند اهل البادية، ولا تخالطوني بالمصانعة، ولا تظنوا ابى استقالا فى حق قبيل لى، ولا التماس اعظام لنفسى» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷).

بامن بگونه ای که با جباران و گردنکشان سخن می گویند سخن نگویند و انتقاداتی را که از افراد عصبانی پنهان میکنند ازمن پنهان نسازید، و با من تملق و چاپلوسی رفتار نکنید و نپندارید که اگر انتقاد درستی به من داشته باشید پذیرفتن آن بر من دشوار است و گمان مبرید که من از شما درخواست بزرگ نمودن خود را دارم.

در این جملات امام با تأکید تمام از مردم می خواهد که از تملق گوئی و چاپلوسی که عادت عامه در برخورد با مدیریت های استکباری است اجتناب کنند و اگر کاری از کارهای او را نادرست تشخیص می دهند بی پروا از او انتقاد کنند و مطمئن باشند که او از انتقاد نمی رنجد. سپس در ادامه سخن توضیح می دهند که :

«فانه من استثقل الحق ان يقال له او العدل ان يعرض عليه كان العمل بهما اثقل عليه.» زیرا کسی که شنیدن سخن حق و عدل بر او دشوار و سنگین می آید عمل کردن به حق و عدل بر او دشوارتر است (نهج البلاغه فیض، خطبه ۲۰۷).

«سع الناس بوجهك و مجلسك و حكمك ، وایاك و الغضب فانه طيرة من الشيطان . واعلم ان ما قربك من الله يساعدك من النار ، و ما بعدك من الله يقربك من النار» با مردم به هنگام دیدار، و در مجالس رسمی، و در مقام داوری، گشاده رو باش و از خشم بپرهیز ، که سبک مغزی به تحریک شیطان است. و بدان! آنچه تو را بخدا نزدیک می سازد از آتش جهنم دور می کند، و آنچه تو را از خدا دور می سازد، به آتش جهنم نزدیک می کند (بحار الانوار، ج ۸، ص ۶۳۵).

۱۴ - تواضع و فروتنی

یکی دیگر از اصول مدیریت اسلامی رعایت تواضع و فروتنی با مردم است که از مبانی اعتقادی پدید می آید ، زیرا احترام به مردم ، عشق ورزیدن نسبت به مردم پشتوانه اعتقادی لازم دارد. امام علی (ع) در نامه ای به یکی از استاندارانش که در سرزمین غیر اسلامی حکومت می کرد و با مردمی آتش پرست در رابطه بود نوشت: «اما بعد ، فان دهاقین اهل بلدك شكومانك غلظة و قسوة و احتقارا و جفوة و نظرت فلم ارحم اهلا لا ن يدنو الشركهم ، ولا ان يقصوا و يجفو العهدهم ، فلبس لهم جلباباً من اللين تسوبه بطرف من الشدة ، و داول لهم بين القسوة و الرأفة ، و امزج لهم بين التقريب و الادناء و الابحاد و الاقصاء. ان شاء الله . « پس از نام خدا و درود همانا دهقانان مرکز فرمانداریت ، از خشونت و قساوت و تحقیر کردن مردم و سنگدلی تو شکایت کردند ، من درباره آنها اندیشیدم، نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتیم، زیرا که مشرکند ، و نه سزاوار قساوت و سنگدلی و بد رفتاری هستند، زیرا که با ما هم پیمانند ، پس در رفتار با آنان نرمی و درستی را به هم آمیز، رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش، اعتدال و میانه روی را در نزدیک کردن یا دور نمودن، رعایت کن (بحار الانوار، ج ۸، ص ۵۸۳).

درست است که مردم آن سامان مسلمان نیستند، اما در دیدگاه حضرت امیر المؤمنین (ع) تمام انسانها محترمند و باید با آنها برخورد صحیح شود. اگر کسی به مقامی رسید و این مقام او را گرفت و در او فخر موهوم ایجاد کرد، این انسان در لسان قرآن کریم مختال است.

رهبران الهی به انسان اجازه نمی دهند تحت هیچ شرایطی نا امید شود، حتی آنجا که در نقطه اوج سختی ها است . امام علی (ع) می فرماید:

«عندتناهی الشدائد تكون الفرجة و عند تضائق حلق البلاء يكون الرخاء» هنگامی که شدت و سختی ها در اوج نهای است فرج و گشایش حاصل می شود و هنگامی که حلقه های بلا تنگ می شود آسایش و رخاء انتظار می رود (بحار الانوار، ج ۷، ص ۹۶).

۱۲ - صبر و استقامت :

یکی دیگر از صفاتی که مدیر شایسته باید واجد آن باشد صبر و استقامت است. اصولاً سایر صفاتی که برای مدیر و مدیریت ضروری است در تحقق، نیاز به صبر و استقامت دارند و از این دید می توان گفت که صفت صبر اساس و زیر بنای سایر صفات است. اصولاً مدیریت، برخورد انسان با مشکلات اهدافی است که برای تحقق آن تلاش می کند . نقش صبر و استقامت در کارها تا آنجا است که اگر این عنصر از کارها برداشته شود، سایر عناصری که می توانند در تحقق هدف انسان رایاری کنند بی نتیجه می شوند و به گفته امام علی (ع):

«الصبر فی الامور بمنزلة الرأس من الجسد فاذا فارق الرأس الجسد فسد الجسد، و اذا فارق الصبر الامور فسدت الامور» نقش صبر در کارها همچون نقش سر در بدن است. همانطور که با جدا شدن سر از بدن، بدن فاسد می شود و وقتی صبر را از کارها جدا کنیم کارها تباه می شوند (میزان ح ۱۰۰۶۴).

۱۳ - مردم گرایی:

مدیریت تیلوریسم که موفق نبود و بسیاری از شورش های کارگری را پدید آورد، در همین اصل مشکل داشت ، زیرا به کارگران به چشم ابزار می نگریست و منافع عموم مطرح نبود.

وقتی حکومتی مردمی نباشد و برای مردم کار نکند و مردم را ابزار تولید یا دیگر منافع خود حساب آورد دوام نمی آورد. حضرت علی (ع) در دستور العمل به استاندار، بصره عبدالله بن عباس نوشت:

نازی نجات

«ليس لانفسكم ثمن الاالجنة فلاتتبعوها الايها». انسانها، جان شما به اندازه بهشت می ارزد مواظب باشید آن را به غیر بهشت نفروشید که ضرر خواهید کرد (نهج البلاغه قبض، حکمت ۴۴۸).

۱۷ - عقل :

برقراری یک نظام، رهین عقل مسئولین آن نظام می باشد. اگر کارگزاران یک سیستم حکومتی عاقل باشند، آن نظام بهره ای از دوام پیدا می کند و اگر خردمند و فرزانه نبودند، آن نظام دیر پا نبوده، در کوتاه مدت سقوط خواهد کرد. وقتی از حضرت علی (ع) سؤال شد که عاقل و فرزانه را برای ما توصیف کن، فرمود:

عاقل کسی است که هر چیزی را در جای خودش می گذارد . دوباره سؤال شد که جاهل نابخرد را برای ما توصیف کن، فرمودند: توصیف کردم، یعنی جاهل کسی است که هر چیزی را بجای خودش نمی گذارد.

«صف لنا العاقل، فقال عليه السلام: هو الذي يضع الشيء مواضعه، فقيل: نصف لنا الجاهل، فقال عليه السلام: قد فعلت» (نهج البلاغه قبض، حکمت ۲۲۷).

و این معنا اهمیت فرزندی را در تدوین و تهیه طرح و برنامه و در اجرا و پیاده نمودن آن به خوبی بیان می کند.

۱۸ - نظم :

دستور ویژه ای درباره رعایت نظم از آن حضرت در عهدنامه مالک اشتر به چشم می خورد که چنین می فرماید: «وامفق لكل يوم عمله فان لكل يوم ما فيه و اجعل لنفسك فيما بينك بين الله افضل تلک المواقيت و اجزل تلک الاقسام وان كانت كلها الله اذا صلحت فيها النية و سلمت الرعية» (نهج البلاغه).

کارها را آنچنان تنظیم کن که کار هر روز را در همان روز انجام دهی، و آن را به روز بعد موکول نکنی، زیرا برای هر روز کار خاصی هست که باید در همان ظرف معین واقع شود و تأخیر کار امروز به فردا و کار فردا به پس فردا، موجب

یکی دیگر از ویژگیهای مدیران اسلامی رعایت تساوی و عدالت رفتاری با مردم و مراجعه کنندگان است، که بدون معیارهای اسلامی، فردی را بر فردی دیگر ترجیح ندهد و با همه مهربان باشد، برای رفع مشکلات همه بکوشد، دوست و فامیل و خویشاوند نشناسد.

حضرت علی (ع) در نامه ۲۷ به استاندار مصر، محمد بن ابی بکر نوشت: «فاخفض لهم جناحك و الن لهم جانبك، و ابسط لهم وجهك و آس بينهم في اللحظة و النظره حتى لا يطمع العظماء في حيفك لهم و لا يياس الضعفاء من عدلك عليهم، فان تعالى يسائلکم معشر عباده عن الصغيرة من اعمالکم و الكبيرة و الظاهرة و المستورة، فان يعذب فانتم اظلم، و ان يعف فهو اكرم» با مردم فروتن باش، نرم خو و مهربان باش، گشاده رو و خندان باش، در نگاهبایت در نیم نگاه و خیره شدن با مردم به تساوی رفتار کن، تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوانها در عدالت تو مأیوس نگردند، زیرا خداوند از شما بندگان درباره اعمال کوچک و بزرگ، آشکار و پنهان پرسش می کند، اگر کیفر دهد شما استحقاق بیش از آن را دارید و اگر ببخشد از بزرگواری اوست (تحت الحقول، ص ۱۷۶).

۱۶ - بی توجهی به لذایذ دنیوی :

در دید قرآنی، زرق و برق طبیعت زینت زمین یا آسمان است نه زیور انسان و اگر انسان خود را به زیورهای مادی باخت، برای ابراز سعادت محروم شده است. حضرت علی (ع) برای یکی از کارگزاران کشورش نامه نوشت به این مضمون که، به من رسیده است که تو دستت را به بیت المال دراز کرده ای اگر این گزارش صحیح باشد، «لاسمع نعلک خیر منک» بند کفش تو بیش از تو می ارزد (نهج البلاغه، قبض نامه ۷۱، ۱۰۷۳).

یعنی تو که زینت انسانی را به زینت خاک فروختی، تو که نمی دانی و انسان، زینتش به عقیده و ایمان است و نه به مال، بند کفش تو از خود تو بهتر است.

همچنین امیر المؤمنین (ع) فرموده اند:

کارگزاران نظام اسلامی باید طوری رفتار کنند که محرومیت از جامعه برطرف شود و بکوشند که با سیستم صحیح اسلامی در عین کسب حلال و آزاد، فقر اقتصادی را از بین ببرند همانطور که حضرت علی (ع) می فرماید: «لو تمثل لی الفقر رجلاً لقتلته.» اگر فقر برای من متمثل شود، آن را از بین می برم (الامام علی صوت العدالة الانسانیه).

بنابراین لازم است که به عامل رنج و محرومیت توجه نمود و آن را برطرف کرد. و رسیدگی به محرومان تنها به این نیست که آنان را مورد ترحم قرار داده، زندگیشان را از بیت المال تأمین کنیم، زیرا این کار یک کمک عاطفی است که با ترحم همراه است، نه با احترام به آنان، اما حرمت و کرامت محرومین در این است که به حقوق از دست رفته خود برسند.

تراکم کارها و در نتیجه نارسایی دستگاه اجرایی و سرانجام مایه نارضایی مردم خواهد شد.

آنگاه امیر المؤمنین (ع) در تنظیم زمان و وقت برنامه ها می فرماید که بهترین فرصت و مهمترین برنامه ها را برای تحکیم ارتباط بین خود و خداوند سبحان معین کن. گر چه همه کارها و برنامه ها در صورتی که با خلوص نیت باشد و سلامت امت اسلامی بر آن ملحوظ و تعیین شده باشد، برای خداوند است، لیکن آن برنامه پرستش و محاسبه و مناجات و نیایش را که بین تو و خداوند سبحان برقرار می شود، آنچنان تنظیم کن که بهترین وقت و گرانبهاترین فرصت و بیشترین کار برای آن صرف شود. در این جا حضرت علی (ع) ضمن دستور نظم اداری به کارگزاران حکومت خود، دستور نظم عبادی و نیایش را نیز به آنان می دهد.

۱۹ - رسیدگی و رعایت حال محرومان:

بزرگ رهبر جهان اسلام حضرت علی (ع) در عهد نامه مالک اشتر سخنی دارد که ضمن آن، مالک را موظف می کند که برای محتاجان جلسه خاص و فرصت مخصوص قرار بدهد، در حضور همه آنان بدون تشریف نظامی وارثی در کمال سادگی و خوشرویی و دور از تکلف و منزله از تصنع بنشیند، و به سخن سخنگوی نیازمندان به خوبی گوش فرا دهد و بر اساس آن اقدام لازم را معمول دارد و می افزاید که من در چندین مورد از پیامبر اکرم (ص) شنیده ام که می فرمود «لن تقدس امه لا یوخذ اللضعیف فیها حقه من القوی.» هرگز امتی که حق ضعیفان در میان آنان پایمال می شود، از قداست برخوردار نخواهد شد، زیرا ملتی محترم و امتی مقدس است که به عدل و امن حرمت نهد، و به پاس احترام آن قیام کند و به استرداد حق محرومان قیام نماید و به محکوم ساختن ظلم و تعدی مبادرت کند. (نهج البلاغه فیض، نامه ۵۳).

منابع:

- ۱) اقتداری، ع. سازمان و مدیریت سیستم رفتار سازمانی، تهران، انتشارات مولوی، ۱۳۶۸.
- ۲) تقوی دامغانی، ر. نگرشی بر مدیریت اسلامی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۳) جوادی آملی، ع. اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، مرکز نشر فرهنگی رجاء ۱۳۶۶.
- ۴) دشتی، امام علی (ع) و مدیریت، چاپ اول، قم، موسسه فرهنگی تحقیقات امیر المؤمنین (ع)، ۱۳۷۹.
- ۵) صالح، ص. نهج البلاغه، چاپ دوم، لبنان، انتشارات دارالکتاب اللبنانی، ۱۹۸۲.
- ۶) فیض الاسلام، ع. ترجمه و شرح نهج البلاغه، چاپ امیر، تهران، ۱۳۷۵.
- ۷) قمی، ع. کلیات مفاتیح الجنان، چاپ هشتم، انتشارات سوره، ۱۳۷۵.
- ۸) مجلسی، م. بحار الانوار
- ۹) مجموعه مقالات چهارمین سمینار بین المللی مدیریت اسلامی. نگرشی بر مدیریت در اسلام، مرکز آموزش دولتی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۰) محمدی ری شهری، م. اخلاق مدیریت در اسلام، چاپ اول، قم انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۵.